

سنجش نگرش شهروندان گیلانی نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

جواد نظری مقدم*، مونا اسالم‌نژاد**، رضا علیزاده***

چکیده

گیلان با کمترین نرخ مولید از جمله پیرترین استان‌های کشور است. لذا مسئله کاهش جمعیت و نرخ مولید در استان یکی از مهم‌ترین مسائل استان گیلان به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحقق عملی اهداف سیاست‌های جمعیتی و افزایش میزان مولید، اقبال و پذیرش عمومی مردم و جامعه نسبت به این سیاست‌های جمعیتی است. بر این اساس در این پژوهش تلاش شد تا نگرش مردم گیلان از ابعاد شناختی عاطفی و عملی نسبت به سیاست‌های جمعیتی کشور مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. برای گردآوری داده‌ها ضمن اتخاذ رویکردی توصیفی و پیمایشی تلاش شد تا با ابزار پرسشنامه نگرش مردم گیلان در خصوص سیاست‌های جمعیتی مورد بررسی قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان ۱۸ تا ۵۰ ساله متأهل استان گیلان است و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که نگرش مردم نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در وضعیت بینابین (نه خیلی منفی نه خیلی مثبت) قرار دارد. ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان از محتوای قانون اطلاع زیادی ندارند. بر اساس نتایج پیمایش، رابطه معناداری میان جنسیت، مذهب، تحصیلات و محل سکونت افراد و شغل با نگرش آنان نسبت به سیاست‌های جمعیتی وجود ندارد؛ اما بین نگرش رفتاری و سن رابطه معنادار معکوس وجود دارد. همچنین میان برخی از ابعاد نگرشی افراد و مدت تأهل و تعداد فرزند، نوع سکونت (مالک- مستأجر) و میزان هزینه کرد ماهانه و درآمد فعلی افراد و نیز تعداد مطلوب فرزند رابطه معنادار وجود دارد. اگر چه از جنبه عاطفی همسویی نسبتاً زیادی با مقوله فرزندآوری و قانون حمایت از خانواده دیده می‌شود اما با توجه به نمره پایین نگرش شناختی و رفتاری عموم زوج‌های گیلانی می‌توان گفت نسبت به قانون و اهداف آن و مقوله فرزندآوری از حیث عملی و رفتاری همراهی وجود ندارد.

واژگان کلیدی

جمعیت، سیاست جمعیتی، خانواده، نگرش، گیلان

*. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلانشناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول) (j.moghaddam@guilan.ac.ir)

** استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلانشناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (m.asalemnejad@guilan.ac.ir)

*** استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلانشناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (rezaalizadeh@guilan.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

۱. مقدمه و بیان مسئله

نمی‌توان انکار کرد که تحولات جمعیتی تقریباً بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تأثیرات مهمی بر خرده نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می‌سازد و می‌تواند منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها باشد. از طرفی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت توسعه همه‌جانبه یک جامعه، شناخت مشخصه‌های جمعیتی و ابعاد مختلف آن و چگونگی آهنگ تغییرات آن امری حیاتی و لازم است. بدین ترتیب، از جمله راه‌های کسب توسعه همه‌جانبه، شناخت و آگاهی کافی از تغییر و تحولات جمعیتی است؛ زیرا تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای، با حجم جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن پیوند خورده است (فولادی، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۴۵).

در چارچوب مطالعات حوزه علوم اجتماعی همواره تعامل پویایی میان جمعیت و توسعه برقرار است (صادقی، ۱۳۹۲: ۱). با توجه به نقش مهم و تعیین‌کننده مؤلفه جمعیت در فرایند توسعه جامعه دولت‌ها به منظور سیاست‌گذاری هدفمند در حوزه جمعیت، سیاست‌هایی را تحت عنوان سیاست‌های جمعیتی^۱ در نظر می‌گیرند.

۵۸

عوامل متعددی همواره می‌تواند زمینه‌ساز افزایش و یا کاهش جمعیت در هر جامعه‌ای باشد. بدیهی است که افزایش جمعیت در جامعه بدون خواست و اراده جامعه و مردم ممکن نخواهد بود. لذا در گام اول برای تحقق سیاست‌های جمعیتی، همراهی مردم و تمایل و رغبت خانواده‌ها به فرزندآوری و افزایش تولد نسل ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است سیاست‌های جمعیتی و قوانین مربوط به فرزندآوری خانواده‌ها مربوط به حوزه خصوصی است و به یقین مداخله دولت در این حوزه تبعاتی دارد. منتها شناسایی اصل تناسب - شاخص حاکم بر مداخلات دولت در نهاد خانواده - موجب می‌شود که کمترین آسیب بر نهاد خانواده وارد شود، زیرا محال است هم اهداف دولت درباره نظام جمعیتی مطلوب محقق شود و هم از مداخله در نهاد خانواده بپرهیزد (غمامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲).

در طول دو دهه اخیر، ایران با چالش مهم کاهش باروری و تولید نسل رو به رو شده است. جدیدترین گزارش‌های سازمان ثبت احوال استان گیلان نیز حاکی از آن است گیلان سالمندترین استان کشور است و نرخ باروری در گیلان در سال ۱۴۰۰، کمتر از ۱/۰۳ فرزند است در حالی که مقدار این شاخص در کل کشور برابر با ۱/۷ فرزند است (سازمان ثبت احوال استان گیلان).

بررسی سایر شاخص‌های جمعیتی نیز حکایت از همین وضعیت دارند. آمارهای موجود همه حاکی از آن است که استان گیلان از نظر نرخ مولید در وضعیت نامطلوب و بحرانی قرار دارد. به همین دلیل سهم جمعیت سالمندی در گیلان با ۱۵/۲۶ درصد بیشتر از میزان آن در کشور است (۱۰/۵۴ درصد).

با توجه به آهنگ تغییرات جمعیتی در ایران قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۹ توسط مجلس شورای اسلامی مصوب گردید تا بتوان با استفاده از سیاست‌های تشویقی و حمایتی دولت ضمن جلوگیری از روند کاهشی فرزندآوری در کشور زمینه افزایش جمعیت و میزان مولید را فراهم نمود.

با تکیه بر این سیاست‌ها و آمارهای موجود در رابطه با وضعیت جمعیت در گیلان و پژوهش‌های انجام شده این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که مردم گیلان چه نگرشی نسبت به سیاست‌های جمعیتی کشور دارند. شناخت درست نگرش و نوع نگاه جامعه مخاطب می‌تواند به ارائه راهکارها و راه‌حل‌های اساسی در خصوص حل مسئله جمعیت در کشور و متناسب با اقتضات و شرایط زیست جامعه کمک نماید. از این رو لازم است تا نحوه نگرش مردم و میزان اقبال جامعه نسبت به سیاست‌های جمعیتی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا با تکیه بر این دست از مطالعات میدانی زمینه تحقق عملی این سیاست‌ها و رفع موانع احتمالی موجود در این زمینه فراهم گردد. بر این اساس در این پژوهش تلاش می‌گردد تا نگرش مردم گیلان نسبت به سیاست‌های جمعیتی کشور به طور خاص قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

سعدی و صادقی (۱۴۰۳) در پژوهش کیفی خود با اتکا بر رهیافت ممیزی اجتماعی که مبتنی بر دو مؤلفه ورودی‌ها و فرایندهای سیاستی است تأثیر سیاست‌های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را بر نگرش و تمایل به فرزندآوری مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در حوزه ورودی‌ها، مؤلفه‌های کافی بودن مشوق‌ها در مقایسه با وضعیت اقتصادی، عدم توجه به نیازهای اساسی فرزندآوری و محتوای ناکارآمد سیاست‌های فرهنگی موجب کاهش تأثیرگذاری مثبت سیاست شده است. در حوزه فرایندهای سیاستی، مواجهه سلیقه‌ای سازمان‌ها، انحراف از منابع، عدم اعتماد به مشوق‌های تعریف شده در قانون، عدم ارائه راه‌حل و سیاست کارآمد جهت رفع مشکلات ساختاری دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی کاهش تأثیر قانون را به دنبال داشته است.

پژوهش شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۰) نخستین تلاش جهت بررسی نحوه ارزیابی مردم و مخاطبین سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی، پس از ابلاغ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» است. این پژوهش بر مبنای رویکرد زمینه‌ای به کمک مصاحبه عمیق با ۳۰ زن و مرد در شهر اصفهان صورت گرفت. نتایج نشان داد که فرزندآوری به مثابه امر خصوصی، مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش، ابهام در سیاست‌گذاری از تصویب تا اجرا، سیاست‌های موقتی و مقطعی و نادیده انگاری شرایط جامعه منجر به بی‌اعتمادی نهادی و غیر نهادی شده است که همسوسازی خواست افراد با سیاست‌ها را دشوار و پیچیده کرده است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، سیاست‌های تشویقی را صرفاً اقتصادی می‌دانستند و از این جهت بر این باور بودند که این سیاست‌ها تنها اقشار کم‌تر برخوردار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در آن اقشار برای فرزندآوری ایجاد انگیزه می‌کنند. ثمنی و شهریاری (۱۳۹۹) نیز به تحلیل مضمون اسناد بالادستی و بررسی میزان اهتمام آن‌ها به بعد کیفی جمعیت پرداختند. هدف از این بررسی، ارزیابی وضعیت موجود و مطلوب بعد کیفی افزایش جمعیت در اسناد بالادستی و قوانین نوظهور با هدف افزایش جمعیت، است. تحلیل در این تحقیق، مبتنی بر ۴ سند سیاستی است که شامل «سیاست‌های کلی جمعیت»، «سیاست‌های کلی خانواده»، «قانون برنامه ششم توسعه» و طرح مصوب مجلس شورای اسلامی با عنوان «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» است. نتایج بررسی نشان داد «سیاست‌های مشوق فرزندآوری باید به نحوی تنظیم شود که ضمن این که تمامی خانواده‌ها بهره‌مند می‌گردند اما این مشوق به صورت پلکانی اعمال گردد. به نحوی که از خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، حمایت بیشتری صورت گیرد».

غمامی و همکاران (۱۳۹۸) به آسیب‌شناسی قوانین و مقررات جمعیتی دولت از اوایل انقلاب اسلامی تا کنون پرداختند. از مهم‌ترین شاخص‌های مطلوب حاکم بر قوانین و مقررات جمعیتی بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان به مصالح عامه، توجه به اسناد بالادستی و اثربخشی آن در قوانین و مقررات مربوطه، لحاظ نمودن منطقه‌گرایی و توجه به کیفیت جمعیتی و تمرکز بر اصل تناسب اشاره کرد.

کنعانی و بخشی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «گسترش فردگرایی و مسئله کم‌فرزندآوری» به مطالعه‌ای بر روی زوجین در شهر رشت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های فردی شدن (فردگرایی) در کاهش فرزندآوری تأثیرگذارند. متغیرهایی چون تحصیلات زنان، آشنایی اولیه زوجها، الگوی همسرگزینی و اشتغال زنان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای بر فرزندآوری نشان داد. حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «جامعه در مخاطره و فرزندآوری» با

تأکید بر آرای اولریش بک و الیزابت بک-گرنشایم^۱ (۲۰۰۲) به بررسی مخاطرات مؤثر بر تصمیم به فرزندآوری زوجین ۴۹-۲۵ ساله شهر رشت پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین زنان متغیرهایی چون افول ارزش‌های سنتی (۵۸,۵ درصد)، آزادی انتخاب، تحصیلات و سن ازدواج و در بین مردان علاوه بر متغیرهای ذکر شده برای زنان، متغیر فردگرایی^۲ (۴۹ درصد) نیز در کنش فرزندآوری آنان نقش داشته و احتمال فرزندآوری را کاهش می‌دهد. مخاطرات یادشده در تقابل با عشق و علاقه به بچه‌دار شدن، منجر به اتخاذ تصمیم «کم فرزندی» شده است.

نتایج پژوهش جینگ زو و همکاران (۲۰۲۳) حاکی از آن است که مردان بیشتر علاقه‌مند به داشتن فرزند هستند و زنان بیشتر نگران از تأثیرات منفی والد شدن از قبیل دشواری در بازار کار، داشتن آزادی کمتر و داشتن پول کمتر. در هنگام تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، عواملی از قبیل کار، وضعیت اقتصادی و فرزندپروری برای زنان مهم‌تر است. کهن و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود نتیجه گرفتند که رابطه معناداری بین تمام ابعاد ارزش کودک و نگرش‌های مربوط به باروری و فرزندآوری با نگرش نسبت به کنترل باروری وجود دارد. سودبرگ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود دریافتند زنانی که در کلان‌شهر یا شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند بیشتر احتمال داشت که نسبت به زنان ساکن در شهرهای متوسط یا مناطق روستایی، امتیاز بالاتری در بخش فرزندآوری به مثابه مانعی در برابر حضور کسب کنند. زنان در گروه سنی ۲۶-۲۵ ساله به بیشترین حدی با بخش فرزندآوری به مثابه مانعی بر سر راه حضور زنان در جامعه موافق بودند. با مروری بر مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی در خصوص چگونگی نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری مردم نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت چه در سطح ملی و چه در ابعاد محلی متمرکز بر گیلان انجام نشده است.

۳. مبانی و چارچوب نظری

به طور کلی می‌توان گفت دو دسته نظریه در خصوص نظریه‌های حوزه جمعیتی با تمرکز بر موضوع فرزندآوری وجود دارد. دسته اول نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی و دسته دیگر نظریه‌هایی که می‌توان از آن تحت عنوان نظریه‌های هنجاری یا فرهنگی یاد نمود. در نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی، رفتار باروری با اتکا به شرایط اقتصادی تبیین می‌شود. به عنوان نمونه گری بکر از جمله نظریه‌پردازانی است که بر رابطه اقتصاد و باروری تأکید دارد.

1. Beck, U & Beck-Gernsheim, E.

2. Individualization

از نگاه او افزایش دستمزد زنان می‌تواند تأثیر منفی بر تقاضا برای فرزند داشته باشد. هنگامی که ارزش زمان اختصاص یافته برای کار یک زن به دلیل دستمزد بالاتری که به او ارائه می‌شود افزایش یابد، ارزش نسبی مدت زمانی که در منزل می‌گذرد لزوماً کاهش می‌یابد و هزینه فرصت داشتن فرزند برای یک زن در بازار کار افزایش می‌یابد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

به باور کالدول، یک ارتباط مستقیم بین ساختار خانواده و باروری وجود دارد. بر اساس این نظریه، در همه جوامع تصمیم‌های باروری پاسخ‌های عقلانی اقتصادی به جریان ثروت خانوادگی است. لذا توجه به چگونگی توزیع ثروت در میان اعضای خانواده و فرزندان یکی از مهم‌ترین متغیرهایی تأثیرگذار در رفتار باروری به شمار می‌رود (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۲).

یکی از قلمروهای تئوریک برای تبیین جمعیت و فرزندآوری به‌طور عام معطوف به تئوری‌هایی است که بر اصل بنیادین عقلانیت^۱ استوار هستند. نظریه‌های عقلانی اقتصادی رفتار باروری را از منظر عقلانیت و ملاحظات اقتصادی تبیین می‌کند. ریشه اصلی این نظریه‌ها مربوط به ایده‌های صاحب‌نظران کلاسیک همچون ماکس وبر است که عقلانیت را یکی از سه ویژگی بنیادین جوامع معاصر تلقی می‌کنند. از دیگر مشخصه‌های عمده این دسته از نظریه‌ها این است که به طور چشمگیری متأثر از نظریات اقتصاددانان برجسته است. تئوری‌های اقتصاد پایه در حوزه جمعیت و فرزندآوری بر این فرض مبتنی است که منفعت یا فقدان منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تأثیر می‌گذارد. نظریه‌پردازان این دیدگاه بر این باورند که ایجاد نوعی تعادل بین رضایت‌مندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیر بنای اصلی تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان است.

رویکرد دیگر، نظریه‌های مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی هستند. این دسته از نظریه‌پردازان با استناد به ارتباط ضعیف بین ساختار اقتصادی و باروری در سطح خرد یا کلان و ارتباط قوی‌تر باروری با فرهنگ و تحصیلات به این باور رسیدند که رویکرد اشاعه در مقایسه با تبیین‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی تبیین کاملی از گذار باروری به دست می‌دهد. در این رویکرد، استدلال می‌شود که عوامل فرهنگی و نه ساختاری نحوه نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهد. با ابتنای بر این رویکرد نظری در جوامعی که میزان باروری کاهش پیدا کرده است در ابتدا ایستارها و ارزش‌هایی که در این زمینه دخیل‌اند از گروه‌های جمعیت شهری و مرفه‌تر و تحصیل کرده‌تر اقتباس می‌گردد و به مرور زمان به طبقات متوسط و یا طبقات با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی

شیوع می‌یابد. در این تئوری، بر نقش رهبران فکری شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات بین همسران در اشاعه ایده‌های جدید تأکید می‌شود (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

این حوزه مطالعاتی مربوط به نظریه‌های جمعیت‌شناسانی همچون فرانک هانکینز^۱ و آلفرد سووی (۱۳۵۷) است که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی و عناصر فرهنگی جامعه است. از دیدگاه نظریه‌پردازان این تئوری، دستیابی به نتایج مطلوب در زمینه تأثیرگذاری بر الگوهای فرزندآوری و فائق آمدن بر چالش‌های بی‌فرزندگی از طریق فراهم آوردن یک بستر فرهنگی امکان‌پذیر است. یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان این گروه، آلفرد سووی^۲ است که معتقد بود تمایل به داشتن فرزندان کمتر در خانواده‌ها غالباً پیش از آنکه تبلیغات سازمان‌ها در مورد اشاعه تحدید آغاز شود پدیدار می‌شود، نه بعد از آن (سووی، ۱۳۵۷). برخی دیگر از نظریه‌پردازان این گروه شامل جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان برجسته‌ای چون ویلیام گود^۳ (۱۹۶۳)، آنتونی گیدنز^۴ (۱۳۷۳) و رولاند^۵ (۲۰۱۲) است که عمدتاً بر تغییرات بنیادین در ارزش‌های اجتماعی و عناصر فرهنگی جامعه مانند نوگرایی و فردگرایی تأکید دارند. به عقیده این صاحب‌نظران، بدون در اختیار داشتن یک محیط و بستر فرهنگی مناسب نمی‌توان به نتایج مطلوب و پایدار در زمینه تأثیرگذاری بر الگوهای فرزندآوری دست یافت. با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در زنان بیشتر از مردان است.
- به نظر می‌رسد با افزایش تحصیلات، نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت افزایش می‌یابد.
- به نظر می‌رسد با افزایش سن، نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت افزایش می‌یابد.
- به نظر می‌رسد با افزایش مدت تأهل، نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت افزایش می‌یابد.

1. Frank Hankins
2. Sauvy
3. Good
4. Giddens
5. Rowland

- به نظر می‌رسد با افزایش تعداد فرزندان، نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت افزایش می‌یابد.
- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در روستاییان بیشتر از مردمان شهر است.
- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مالکین بیشتر از مستاجرین است.
- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در شیعیان بیشتر از اهل سنت است.
- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در تالش‌ها بیشتر از سایر قومیت‌ها (گیلک، فارس، ترک) است.
- به نظر می‌رسد نگرش مثبت نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است.
- به نظر می‌رسد نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در خانواده‌هایی که هزینه‌های زندگی‌شان کمتر است، مثبت است.
- به نظر می‌رسد نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در خانواده‌هایی که درآمدشان بیشتر است، مثبت است.
- به نظر می‌رسد نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در خانواده‌هایی که تعداد مطلوب فرزند از نظرشان تعداد بیشتری است، مثبت است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات کمی قرار می‌گیرد. برای گردآوری داده‌ها ضمن اتخاذ رویکردی توصیفی و پیمایشی تلاش می‌گردد تا تصویر روشنی از چگونگی نگرش مردم گیلان نسبت به سیاست‌های جمعیتی ارائه شود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه خواهد بود.

جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان ۱۸ تا ۵۰ ساله متأهل استان گیلان هستند. بر اساس اطلاعات آماری سالنامه آماری سال ۱۴۰۰ انتشار یافته از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان در خصوص جمعیت خانوار گیلان تعداد افراد متأهل ۱۸ تا ۵۰ ساله در گیلان جمعیتی حدود ۴۲۷ هزار نفر برآورد می‌شود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر محاسبه گردید؛ اما با توجه به بروز مشکلات و خطاها و نواقص احتمالی در هنگام تکمیل برخی

پرسشنامه‌ها و یا عدم تکمیل صحیح و کامل برخی پرسشنامه‌ها و نیز گستردگی حوزه جغرافیایی مورد مطالعه، حجم نمونه در این پژوهش ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای تصادفی است بدین صورت که هر منطقه (شهر-روستا) یک خوشه و درون هر خوشه نیز جمع‌آوری داده به صورت تصادفی (درب منازل) انجام پذیرفت. جهت تکمیل فرایند نمونه‌گیری و توزیع پرسشنامه‌ها، ابتدا گیلان در قالب پنج خوشه و منطقه مرکز (رشت / ۱۰۰ نمونه)، شمال (انزلی / ۷۰ نمونه)، جنوب (رودبار / ۷۰ نمونه)، شرق (املش / ۵۰ نمونه، لنگرود / ۷۰ نمونه) و غرب (فومن و تالش هر کدام ۷۰ نمونه) تقسیم‌بندی شد. پرسشنامه‌ها در زمستان ۱۴۰۲ توزیع شده است. با توجه به اینکه نسبت جمعیت شهری و روستایی در گیلان و بالا بودن جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی، ۳۴۰ نمونه اختصاص به شهر و ۱۶۰ نمونه اختصاص به روستا دارد.

لازم به ذکر است پرسشنامه جهت سنجش روایی صوری و محتوایی در معرض تعدادی از صاحب‌نظران و کارشناسان و خبرگان حوزه مطالعات جمعیت‌شناسی قرار گرفت.

پایایی پرسش‌نامه پژوهش از طریق توزیع آزمایشی و محدود پرسشنامه در میان بخشی از جامعه هدف و استخراج آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ابتدا پرسشنامه میان ۳۰ نفر از متأهلین جامعه هدف توزیع گردید و با اصلاح و حذف برخی از گویه‌ها، میزان پایایی آن‌ها به حد مطلوب رسید.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه

ابعاد نگرشی	آلفای کرونباخ
نگرش شناختی	۰/۸۴
نگرش عاطفی	۰/۸۴
نگرش رفتاری	۰/۹۲

در این پژوهش جهت سنجش نگرش رفتاری، گویه‌های زیر در نظر گرفته شده است:

جدول ۲. تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر	گویه‌ها
نگرش شناختی	اهمیت موضوع فرزندآوری در نظر فرد میزان اطلاع و آگاهی از محتوای قانون و امتیازات فرزندآوری قائل بودن به نقش فرزند در جهت استحکام خانواده باور به نقش مثبت فرزند در زندگی
نگرش عاطفی	میزان علاقه فرد به والد شدن میزان انگیزه بخشی قانون در فرد علاقه نسبت به استفاده از امتیازات قانون احساس نسبت به خانواده‌های چند فرزندی تمایل به دخالت دولت در حوزه موضوع فرزندآوری احساس نسبت به اجرایی شدن اهداف قانون حمایت از خانواده
نگرش رفتاری	قصد و شوق نسبت به فرزنددار شدن تشویق اطرافیان نسبت به فرزندآوری عدم ممانعت از فرزندآوری به دلیل شرایط اقتصادی تحمل همه مشکلات در جهت فرزندآوری آمادگی جهت کمک فکری یا مالی به نهاد یا تشکل‌های مردم نهاد

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش نتایج به دست آمده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه خواهد شد.

۵-۱. آمار توصیفی

بر اساس یافته‌های به دست آمده حدود ۵۱٪ نمونه آماری این تحقیق را زنان و ۴۹٪ درصد بقیه نمونه را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر شرایط سنی ۶ درصد از نمونه آماری این تحقیق، در دامنه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، ۴۵/۸ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۴۸/۲ درصد بین ۳۶ تا ۵۰ سال دارند. از نظر وضعیت مدت تأهل ۳۸ درصد از زوجها ۵ سال و کمتر، حدود ۳۰ درصد ۶ تا ۱۰ سال، ۱۳ درصد ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۹ درصد ۱۶ سال و بالاتر از زندگی‌شان می‌گذرد. از نظر سطح تحصیلات ۲۳/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سیکل و پایین‌تر، ۴۱/۶ درصد از دیپلم و زیر دیپلم، ۳۰٪ دارای مدرک کارشناسی ۴/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

۲۶/۲ درصد بدون فرزند، ۴۱ درصد دارای یک فرزند، ۲۶/۸ دارای دو فرزند و ۶ درصد دارای سه فرزند و بیشتر هستند. از نظر محل سکونت ۶۸/۶ درصد پاسخگویان ساکن شهر و ۳۱/۴ درصد افراد ساکن روستا هستند که ۵۴/۴ درصد آنها مالک و ۴۵/۶ آنها مستأجر هستند. در این میان بیشترین افراد ۵۳/۲ درصد تعداد مطلوب فرزند را ۲ و کمترین تعداد پاسخگویان ۴ نفر (۸/۰ درصد) فرزند و بیشتر عنوان کردند. در این میان حدود ۱۰ درصد از پاسخگویان تعداد مطلوب فرزندان را سه فرزند و ۲۹ درصد تعداد مطلوب فرزند را یک فرزند می‌دانند. ۵/۲ درصد بی‌فرزندی را مطلوب می‌دانند.

آگاهی نسبت به محتوای قانون

جهت سنجش میزان آگاهی از محتوای قانون چگونگی پاسخ پرسشگران به گویه‌های ۳۲ تا ۴۲ مورد نظر قرار گرفته است. در این گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) از پرسشگران پرسیده شده است که تا چه میزان از محتوای قانون و امتیازات مختلف مندرج در آن از قبیل امتیازات حوزه بهداشت و درمان و زایمان، مشوق‌های اقتصادی و تسهیلات فرزندآوری، مسکن خانواده‌های دارای سه فرزند، امتیازات دانشجویان و طلاب متأهل، خرید خودرو، امتیازات استخدامی، معافیت‌های مالیاتی به ازای فرزند سوم و بیمه زنان روستایی دارای سه فرزند و بیشتر و تخفیف‌های حوزه گردشگری و استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی و آموزشی، اطلاع دارند. نتایج پیمایش نشان می‌دهد اکثریت پاسخ‌دهندگان (۷۰ درصد) اظهار داشته‌اند که به میزان کمی از محتوای قانون اطلاع دارند. حدود ۲۸ درصد تا حدودی از محتوای قانون اطلاع دارند و تنها ۱/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان به میزان زیادی از محتوای قانون و امتیازات آن اطلاع دارند.

میزان اعتماد مردم به دولت در زمینه سیاست‌های جمعیتی

جهت سنجش میزان اعتماد مردم نسبت به سیاست‌های جمعیتی ۴ گویه (به نظر من دولت به وعده‌هایش در زمینه طرح جوانی جمعیت و فرزندآوری عمل خواهد کرد.) با توجه به سیاست‌های دولت در زمینه تشویق فرزندآوری ترجیح می‌دهم فرزند داشته باشم./ من به اطرافیان توصیه می‌کنم با توجه به سیاست‌های تشویقی دولت، در زمینه فرزندآوری اقدام کنند./ نهاد‌های مربوطه در استان در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تلاش خوبی داشتند) در نظر گرفته شده است. در گویه‌های مورد نظر تلاش شد تا بر اساس مقیاس لیکرت میزان موافقت و مخالفت پاسخ‌دهندگان مشخص گردد. در ذیل میزان اعتماد مردم گیلان به تفکیک شهرستان اعلام می‌گردد.

جدول ۳. میزان اعتماد به دولت

شهرستان / اعتماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
بندرانزلی	۲/۴۱	۰/۸۵	۱	۴/۵
رودبار	۲/۲۹	۰/۸۴	۱	۴/۵
رشت	۲/۱۴	۰/۷۲	۱	۴/۵
فومن	۲/۴۵	۰/۸۳	۱	۵
تالش	۲/۴۱	۰/۸۲	۱	۴/۲۵
املش	۲/۱۷	۰/۷۱	۱	۴/۲۵
لنگرود	۲/۲	۰/۷۲	۱	۴/۵
کل	۲/۲۹	۰/۷۹	۱	۵

با توجه به اینکه در نمره‌گذاری، نمره ۱ نشان‌دهنده پایین‌ترین میزان اعتماد و نمره ۵ نشان‌دهنده بالاترین میزان اعتماد افراد است، محدوده ۱ تا ۲/۳۳ نشان‌دهنده اعتماد پایین، محدوده ۲/۳۴ تا ۳/۶۶ نشان‌دهنده اعتماد متوسط و محدوده ۳/۶۷ تا ۵ نشان‌دهنده اعتماد بالای شهروندان است. از آن جایی که میانگین کل اعتماد ۲/۲۹ به دست آمد اعتماد مردم در کل پایین است. میزان اعتماد در مردم شهرستان فومن با میانگین ۲/۴۵ بالاترین میزان و در مردم شهرستان رشت با میانگین ۲/۱۴ پایین‌ترین میزان را دارد. در واقع با توجه به محدوده در نظر گرفته شده، میزان اعتماد در مردم شهرستان‌های فومن، تالش و انزلی متوسط رو به پایین و در مردم شهرستان‌های رشت، رودبار، املش و لنگرود پایین است.

نگرش مردم نسبت به سیاست‌های جمعیتی

پس از ارائه آمارهای توصیفی در خصوص فراوانی متغیرهای زمینه‌ای از قبیل سن و جنسیت و تحصیلات و دیگر موارد در این بخش چگونگی نگرش مردم نسبت به سیاست‌های جمعیتی در ابعاد شناختی و عاطفی و رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۴. نگرش مردم به قانون

ابعاد نگرش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمینه	بیشینه
نگرش کل	۵۰۰	۲/۵۶	۰/۵۷	۰/۳۳	۱/۲۱	۴/۰۹
نگرش شناختی	۵۰۰	۲/۵۵	۰/۵۳	۰/۲۸	۱/۱۹	۴
نگرش عاطفی	۵۰۰	۲/۷۳	۰/۶۸	۰/۴۷	۱/۱۹	۴/۳۸
نگرش رفتاری	۵۰۰	۲/۴۱	۰/۷۵	۰/۵۷	۱	۴

با توجه به اینکه در نمره گذاری، نمره ۱ نشان دهنده نگرش منفی به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و نمره ۵ نشان دهنده نگرش مثبت به این قانون است، ۱ تا ۲/۳۳ محدوده نگرش منفی، ۲/۳۴ تا ۳/۶۶ محدوده بینابین (نه خیلی منفی و نه خیلی مثبت) و ۳/۶۷ تا ۵ محدوده نگرش مثبت است. از آنجایی که میانگین کل نگرش، ۲/۵۶ به دست آمده بنابراین نگرش مردم نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در وضعیت بینابین نزدیک به محدوده منفی قرار دارد. در واقع نه خیلی منفی و نه خیلی مثبت است. همچنین نگرش شناختی و رفتاری نیز دارای وضعیت مشابه می باشند و نگرش عاطفی تا حدودی وضعیت بهتری دارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در املش، رشت، رودبار پایین تر از نمره میانگین است. نمره نگرش کلی املش با میانگین ۲/۴۷، رشت با ۲/۵۰ و رودبار با ۲/۵۱ پایین تر از سایر نقاط گیلان است. نگرش شناختی مردم رشت و املش نسبت به قانون حمایت از خانواده و سیاست های جمعیتی منفی تر از نمره میانگین است. از بعد عاطفی، مردم انزلی، تالش، فومن، لنگرود در مقایسه نگرش مثبت تری به سیاست های جمعیتی دارند و نمره نگرش عاطفی مردم شهرستان های رودبار، املش، رشت با به ترتیب ۲/۶۲، ۲/۶۵ و ۲/۶۷ کمتر از نمره میانگین (۲/۷۳) است. در بعد رفتاری نمره نگرش مردم شهرستان های گیلان در کل تفاوت محسوسی وجود ندارد. از بعد رفتاری، انزلی، فومن و تالش وضعیت بهتری نسبت به دیگر شهرستان ها دارند. نمره نگرش املش با ۲/۲۵، رشت با ۲/۳۴، رودبار با ۲/۳۶ و لنگرود با ۲/۴۱ نسبت به سایر نقاط گیلان پایین تر است. به عبارت دیگر در بعد رفتاری به ترتیب املش، رشت، رودبار و لنگرود نگرش منفی تری نسبت به سیاست های جمعیتی دارند.

۵-۲. آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه سطح معناداری آزمون نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در زنان و مردان تفاوت معنادار ندارد. سه مؤلفه نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز در زنان و مردان تفاوت معنادار ندارد.

جدول ۵. آزمون فرضیه‌ها

متغیر	نگرش	sig	F و P-C و T
جنسیت	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۵۸	۰/۵۴
	نگرش شناختی	۰/۳۶	-۰/۹۱
	نگرش عاطفی	۰/۶۰	۰/۵۲
سن	نگرش رفتاری	۰/۳۵	۰/۹۳
	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۲۶	-۰/۰۵
	نگرش شناختی	۰/۳۶	۰/۰۴
	نگرش عاطفی	۰/۳۴	-۰/۰۴
مدت تأهل	نگرش رفتاری	۰/۰۳	-۰/۰۹
	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۰۱	۳/۶۰
	نگرش شناختی	۰/۰۳	۲/۸۰
	نگرش عاطفی	۰/۰۵۲	۲/۵۹
تعداد فرزند	نگرش رفتاری	۰/۰۰	۴/۰۲
	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۳۴	۱/۱۱
	نگرش شناختی	۰/۰۴	۲/۷۰
	نگرش عاطفی	۰/۳۶	۱/۰۶
	نگرش رفتاری	۰/۷۴	۰/۴۰

متغیر	نگرش	sig	F و P-C و T
سال‌های تحصیل	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۵۲	۰/۰۳
	نگرش شناختی	۰/۳۹	۰/۰۴
	نگرش عاطفی	۰/۱۹	۰/۰۵
	نگرش رفتاری	۰/۹۹	۰/۰۱
محل سکونت (شهر - روستا)	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۲۰	-۱/۲۷
	نگرش شناختی	۰/۹۸	-۰/۰۲
	نگرش عاطفی	۰/۳۵	-۰/۹۳
	نگرش رفتاری	۰/۱۱	-۱/۶۰

بین نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و سن افراد رابطه معنادار وجود ندارد. بین نگرش شناختی و عاطفی و سن رابطه معنادار وجود ندارد؛ اما بین نگرش رفتاری و سن رابطه معنادار معکوس وجود دارد. به عبارتی دیگر زوج‌هایی که سن کمتری دارند نگرش رفتاری مثبت‌تری به فرزندآوری و سیاست‌های جمعیتی دارند.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با توجه به مدت تأهل افراد متفاوت است. نگرش شناختی و رفتاری نیز با توجه به مدت تأهل افراد تفاوت معنادار دارد؛ اما این تفاوت در نگرش عاطفی معنادار نیست. نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افرادی که مدت تأهلشان ۱۶ سال و بیشتر است با میانگین ۲/۴۵ منفی‌تر از سایر افراد است. این نگرش در افرادی که مدت تأهلشان بین ۶ تا ۱۰ سال است با میانگین ۲/۶۹ از وضعیت بهتری برخوردار است. نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با توجه به تعداد فرزند تفاوت معنادار ندارد. نگرش عاطفی و رفتاری با توجه به تعداد فرزند تفاوت معنادار ندارد؛ اما نگرش شناختی با توجه به تعداد فرزند متفاوت است و این نگرش در افرادی که هیچ فرزندی ندارند، با میانگین ۲/۴۵ منفی‌تر از افرادی است که دارای فرزندان بیشتری هستند. این نگرش در افرادی که دو فرزند دارند با میانگین ۲/۶۵ از وضعیت بهتری برخوردار است.

بین نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری با سال‌های تحصیلی افراد رابطه معنادار وجود ندارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در شهر و روستا تفاوت معنادار ندارد. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز با در شهر و روستا تفاوت معنادار ندارد.

اگرچه تفاوت معناداری میان نگرش شهر و روستا به سیاست‌های جمعیتی وجود ندارد اما روستائیان نگرش مثبت‌تری به سیاست‌های جمعیتی دارند. به عنوان نمونه میانگین نگرش رفتاری در ساکنان شهر ۲/۳۸ و در روستا ۲/۴۹ است. نمره نگرش عاطفی در ساکنان شهر ۲/۷۱ و در روستا ۲/۷۷ است.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افراد مالک و مستأجر تفاوت معنادار ندارد. نگرش عاطفی و رفتاری نیز در افراد مالک و مستأجر تفاوت معنادار ندارد؛ اما نگرش شناختی با توجه به نوع سکونت (مالک- مستأجر) متفاوت است و این نگرش در افرادی که مستأجر هستند با میانگین ۲/۴۸ منفی‌تر افرادی است که مالک هستند. این نگرش در افرادی که مالک هستند با میانگین ۲/۶۰ از وضعیت بهتری برخوردار است.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افراد شیعه و سنی تفاوت معنادار ندارد. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز با توجه به نوع مذهب افراد تفاوت معنادار ندارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در قومیت‌های مختلف تفاوت معنادار ندارد. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز با توجه به قومیت افراد تفاوت معنادار ندارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در زنان شاغل و غیر شاغل (خانه‌دار) تفاوت معنادار ندارد. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز در زنان شاغل و غیر شاغل (خانه‌دار) تفاوت معنادار ندارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با توجه به هزینه زندگی افراد متفاوت است. نگرش عاطفی و رفتاری نیز با توجه به هزینه زندگی افراد تفاوت معنادار دارد.

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بیشتر از ۲۵ میلیون تومان است با میانگین ۲,۳۲ منفی‌تر افرادی است که هزینه‌های زندگی‌شان کمتر است. این نگرش در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون است با میانگین ۲/۶۲ از وضعیت بهتری برخوردار است.

نگرش عاطفی در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بین ۱۹ تا ۲۵ میلیون تومان است منفی‌تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون است از وضعیت بهتری برخوردار است. نگرش رفتاری نیز در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بین ۱۹ تا ۲۵ میلیون تومان است منفی‌تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که هزینه‌های زندگی‌شان بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون است از وضعیت بهتری برخوردار است.

جدول ۶. آزمون فرضیه‌ها

متغیر	نگرش	sig	F و T
نوع سکونت (مالک - مستأجر)	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۰۵۷	۱/۹۰
	نگرش شناختی	۰/۰۱	۲/۴۸
	نگرش عاطفی	۰/۱۳	۱/۵۱
	نگرش رفتاری	۰/۲۲	۱/۲۲
مذهب (شبهه - سنی)	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۷۷	-۰/۲۸
	نگرش شناختی	۰/۹۱	۰/۱۱
	نگرش عاطفی	۰/۸۹	۰/۱۳
	نگرش رفتاری	۰/۵۳	-۰/۶۲
قومیت	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۸۲	۰/۳۰
	نگرش شناختی	۰/۴۳	۰/۹۱
	نگرش عاطفی	۰/۸۷	۰/۲۳
	نگرش رفتاری	۰/۲۷	۱/۲۹
شغل زنان	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۲۵	-۱/۱۴
	نگرش شناختی	۰/۶۲	۰/۴۸
	نگرش عاطفی	۰/۵۴	-۰/۶
	نگرش رفتاری	۰/۰۹	-۱/۶۶
هزینه زندگی	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۰۲	۳/۱۹
	نگرش شناختی	۰/۰۹	۲/۱۷
	نگرش عاطفی	۰/۰۱	۳/۷۳
	نگرش رفتاری	۰/۰۱	۳/۴۱
درآمد فعلی	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۰۰	۷/۸۰
	نگرش شناختی	۰/۰۰	۱۵/۵۰
	نگرش عاطفی	۰/۰۰	۷/۹۲
	نگرش رفتاری	۰/۰۰	۶/۱۷

متغیر	نگرش	sig	F و T
تعداد مطلوب فرزند	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۰/۰۰	۱۳/۸۵
	نگرش شناختی	۰/۰۰	۱۰/۴۹
	نگرش عاطفی	۰/۰۰	۱۵/۷۴
	نگرش رفتاری	۰/۰۰	۱۱/۹۵

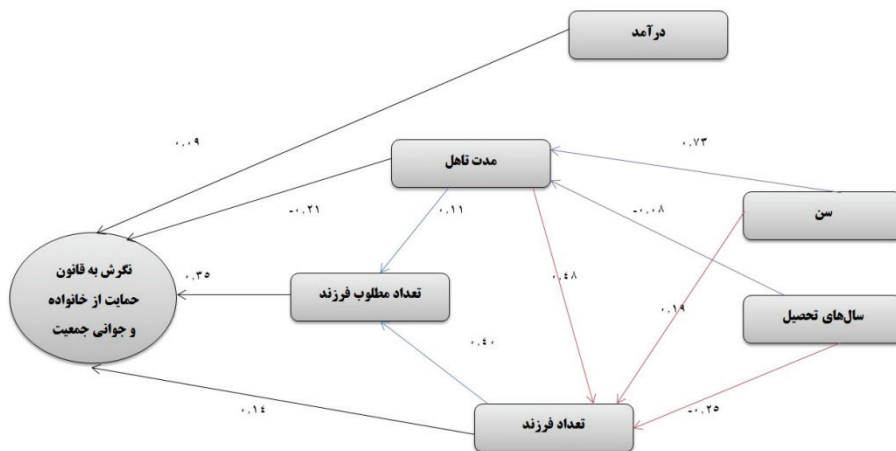
نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با توجه به درآمد افراد متفاوت است و نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز با توجه به درآمد افراد تفاوت معنادار دارد. نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افرادی که درآمدشان بیشتر از مخارجشان است با میانگین ۲/۰۴ منفی تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که درآمد و مخارجشان نزدیک به هم است با میانگین ۲/۷۰ از وضعیت بهتری برخوردار است. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری در افرادی که درآمدشان بیشتر از مخارجشان است منفی تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که درآمد و مخارجشان نزدیک به هم است از وضعیت بهتری برخوردار است.

۷۴

نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با توجه به تعداد مطلوب فرزند متفاوت است. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز با توجه به تعداد مطلوب فرزند تفاوت معنادار دارد. نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در افرادی که نداشتن فرزند را مطلوب می‌دانند با میانگین ۱/۹۷ منفی تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که تعداد مطلوب فرزند را پنج فرزند و بیشتر می‌دانند با میانگین ۳/۱۷ مثبت است. نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری نیز در افرادی که نداشتن فرزند را مطلوب می‌دانند منفی تر از سایرین است. این نگرش در افرادی که تعداد مطلوب فرزند را پنج فرزند و بیشتر می‌دانند مثبت است.

تحلیل چند متغیره (تحلیل مسیر)

بر اساس تحلیل مسیر انجام شده میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم مدت تأهل، تعداد مطلوب فرزند، تعداد فرزند، درآمد، سن و سال‌های تحصیل بر نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در قالب مدل مفهومی زیر نمایان است.



شکل شماره ۱. تحلیل چند متغیره

جدول زیر نشان‌دهنده اثرات متغیرها بر نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است. بر این اساس تعداد مطلوب فرزند بیشترین اثر مستقیم را بر نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت دارد.

جدول ۷. تحلیل مسیر

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت
۰/۳۵	-	۰/۳۵	تعداد مطلوب فرزند
-۰/۰۳۸	۰/۰۶۷، ۰/۰۶۷، ۰/۰۳۸	-۰/۲۱	مدت تأهل
۰/۲۸	۰/۱۴	۰/۱۴	تعداد فرزند
۰/۰۹	-	۰/۰۹	درآمد
۰/۰۵۲	۰/۰۲۶، ۰/۰۲۶	-	سن
-۰/۰۴۱	۰/۰۰۳، ۰/۰۳۵، ۰/۰۳۵، ۰/۰۰۵، ۰/۰۰۵، ۰/۰۱۶	-	سال‌های تحصیل

درآمد دارای اثر مستقیم، مدت تأهل و تعداد فرزند دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم و سن و سال‌های تحصیل دارای اثرات غیرمستقیم بر نگرش به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش و رفتار در زندگی روزمره ما با یکدیگر در هم تنیده شده‌اند. تغییر نگرش‌ها می‌تواند منجر به تغییراتی در رفتار شود و به عکس، تغییر در رفتار می‌تواند بر نگرش‌های فرد تأثیر گذارد. عدم تمایل زوج‌های جوان به فرزندآوری و یا اتکا به تک فرزندی که می‌توان از آن به عنوان یک رفتار شایع بین زوج‌های به ویژه در گیلان یاد کرد علل و عوامل متعددی دارد اما کارشناسان حوزه خانواده و جمعیت معتقدند حل این چالش با تغییر نگرش و باورهای جامعه و اجرای کامل قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت میسر است.

سیاست‌های جمعیتی مربوط به افزایش فرزندآوری در دهه اخیر، بیشتر جنبه سیاستی و توصیه‌ای دارند. فقط قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به عنوان یک راهکار مناسب جهت تشویق جوانان به فرزندآوری است که شامل انواع طرح‌ها و برنامه‌های مدیریتی، ساختاری، اجرایی، اقتصادی، رفاهی و فرهنگی برای مادران، کودکان و خانواده‌ها است. سیاست و برنامه‌های جمعیتی مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و تصمیم‌های جمعیتی است که در راه منطقی کردن و هماهنگ ساختن ارکان و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و مقررات و نظام آن‌ها اتخاذ می‌شود.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که نگرش مردم نسبت به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در وضعیت بینابین (نه خیلی منفی، نه خیلی مثبت) قرار دارد. مردم انزلی و تالش و فومن (شمال و غرب گیلان) در مقایسه با رودبار و رشت و املش و لنگرود (جنوب و شرق گیلان) نگاه مثبت‌تری نسبت به سیاست‌های جمعیتی دارند. بر اساس نتایج پیمایش رابطه معناداری میان جنسیت، مذهب، تحصیلات و محل سکونت افراد و شغل با نگرش آنان نسبت به سیاست‌های جمعیتی وجود ندارد؛ اما بین نگرش رفتاری و سن رابطه معنادار معکوس وجود دارد. به عبارتی دیگر زوج‌هایی که سن کمتری دارند نگرش رفتاری مثبت‌تری به فرزندآوری و سیاست‌های جمعیتی دارند. میان برخی از ابعاد نگرشی افراد و مدت تأهل و تعداد فرزند، نوع سکونت (مالک- مستأجر) و میزان هزینه کرد ماهانه و درآمد فعلی افراد و نیز تعداد مطلوب فرزند رابطه معنادار وجود دارد. پیش از این اشاره شد که در نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی، رفتار باروری و گرایش به فرزندآوری با اتکا به شرایط اقتصادی قابل تبیین است. بنابراین رابطه معنادار میان نوع سکونت

(مالک و مستأجر) و میزان هزینه کرد ماهانه و درآمد افراد با ابعاد نگرشی شهروندان گیلانی بر اساس این دسته از نظریه‌ها قابل توضیح است در جامعه آماری مورد مطالعه تأیید می‌شود. یافته‌های این پژوهش نتایج تحقیق غمامی و همکاران (۱۳۹۸) در خصوص نواقص و خلأهای قوانین و سیاست‌های جمعیتی در کشور را تأیید می‌کند. اگرچه یافته‌های این پژوهش، برخی یافته‌های پژوهش کنعانی و بخشی (۱۳۹۳) و پژوهش حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) به ویژه تأثیر ارزش‌ها و شاخص‌های فردگرایی و عوامل فرهنگی در کاهش میل به فرزندآوری را تأیید می‌کند؛ اما تحلیل‌های آماری نشان داد که میان تحصیلات و اشتغال و نگرش نسبت به سیاست‌های جمعیتی و اهداف آن رابطه معنادار وجود ندارد. با اتکا بر نظریه‌های مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی رابطه معناداری میان متغیرهایی همچون تحصیلات و سکونت در شهر و میل به فرزندآوری وجود دارد اما این نظریه‌ها در جامعه آماری این پژوهش تأیید نمی‌شود.

نتایج پیمایش نشان می‌دهد میانگین کل اعتماد (از ۱ تا ۵) ۲/۲۹ به دست آمد در نتیجه اعتماد مردم در کل متوسط رو به پایین است. بخش‌های غربی و شمال گیلان اعتماد بیشتری به دولت دارند اما بخش‌های شرق و جنوب گیلان اعتماد کمتری به دولت در زمینه سیاست‌های جمعیتی دارند. بررسی علل و عوامل کاهش اعتماد مردم در این مناطق به دولت در زمینه سیاست‌های جمعیتی و رفع موانع موجود و جلب اعتماد مردم می‌تواند در دستور کار سیاست‌گذاران و مجریان قانون حمایت از خانواده در گیلان باشد.

بر اساس نتایج پیمایش به نظر می‌رسد حدود ۵۰ درصد از زوج‌های گیلانی در واقع مخاطب قانون حمایت از خانواده هستند و ممکن است در جهت فرزندآوری اقدام نمایند و تقریباً ۵۰ درصد از زوج‌های گیلانی هیچ قصدی برای فرزنددار شدن ندارند. با توجه به اینکه نیمی از جامعه متأهل قصدی برای فرزندآوری ندارد تنها نیمی از جامعه متأهل ممکن است در آینده در جهت فرزندآوری اقدام نمایند لذا بخش قابل توجهی از تلاش سیاست‌گذاران حوزه خانواده و جمعیت باید صرف ایجاد انگیزه و تمایل و تغییر نگرش کسانی باشد که امکان والد شدن را دارند اما هیچ قصدی برای فرزندآوری ندارند لذا اقدامات تبلیغی، فرهنگی و رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌تواند تا اندازه‌ای تأثیرگذار باشد. شناسایی جامعه مخاطب از سوی سیاست‌گذار و استفاده از روش‌های درست متقاعدسازی متناسب با جامعه مخاطب در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سیاست‌گذاران از توجه به مردان به مثابه یکی عناصر تأثیرگذار در خانواده و قانون حمایت از خانواده غفلت نورزند و ضمن توجه ویژه به زنان در زمینه ترغیب و تشویق مردان به فرزندآوری و اهداف سیاست‌های جمعیتی، زمینه تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی را فراهم آورند. با توجه

به تفاوت نوع نگرش مستأجرین و مالکین، سیاست‌گذاران و مجریان قانون حمایت از خانواده به تأمین نیازهای جامعه در خصوص مسکن توجه ویژه‌ای داشته باشند. در این مسیر لازم است تا سیاست‌گذاران در فرایند اجرای تدوین و قانون به همه گروه‌های اقتصادی و درآمدی و نه صرفاً گروه‌های کم درآمد جامعه توجه داشته باشند و در تعیین امتیازهای قانونی و سیاست‌های تشویقی تنها به گروه‌های درآمدی پایین جامعه توجه داشته باشند.

با توجه به پیامدهای منفی کاهش جمعیت در زندگی خانواده‌ها و اثرات منفی سالمندی و پیری جمعیت طی سال‌های آینده باید اقدامات لازم برای فرهنگ‌سازی و اصلاح نگرش مردم نسبت فرزندآوری صورت گیرد. با وجود تصویب و اجرایی شدن قانون جوانی جمعیت، رشد ازدواج و افزایش فرزندآوری نیازمند جهاد تبیین و گشودن گره‌های ذهنی شهروندان است که باید به همت دستگاه‌های متولی و رسانه‌های جمعی در این خصوص صورت گیرد.

این مطالعه نشان داد که بالاترین میانگین در میان ابعاد سه گانه را بعد عاطفی داشته است. در نتیجه، این قانون با علایق عموم مردم هم‌راستا است و اما از جنبه شناختی آگاهی نسبت به این قانون و اهداف آن چندان مطلوب نیست و اگر چه از جنبه عاطفی همسویی نسبتاً زیادی با مقوله فرزندآوری و قانون حمایت از خانواده دیده می‌شود اما با توجه به نمره پایین نگرش عملی عموم زوج‌های گیلانی می‌توان گفت نسبت به قانون و اهداف آن و مقوله فرزندآوری از حیث عملی و رفتاری همراهی وجود ندارد لذا لازم است این مسئله با نگاهی آسیب‌شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

حامیان پژوهش

این پژوهش با حمایت استانداری گیلان در قالب قرارداد طرح «سنجش نگرش شناختی، عاطفی و عملی مردم گیلان نسبت به سیاست‌های جمعیتی» انجام شده است.

منابع

- ◀ آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- ◀ بهنر، جرد و وانک، میکائیل (۱۳۸۴). نگرش‌ها و تغییر آنها، ترجمه علی مهداد، تهران: جنگل.
- ◀ بیکر، ترزال (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: روش.
- ◀ ثمنی، لیلا، و شهریاری، معصومه (۱۳۹۹): ارزیابی رویکرد قوانین و اسناد بالادستی به بعد کیفی افزایش جمعیت، مطالعات جمعیتی، ۶(۲)، ۳۱۵-۳۳۷. doi:10.22034/jips.2021.282514.1105
- ◀ حسینی، حاتم (۱۳۹۲). جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- ◀ حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمد امین، و عباداللهی چندانق (۱۳۹۵): جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۱(۲۱)، ۱۳۵-۱۰۱. Doi:20.1001.1.1735000.1395.11.22.4.4
- ◀ دواس، دی‌ای (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، چ ۲، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- ◀ رایبزن، استیفن (۱۳۷۶). مبانی رفتار سازمانی. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ◀ سووی، آلفرد (۱۳۵۷)، مالتوس و دو مارکس (ابراهیم صدقیانی)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ◀ شمس قهفرخی، فریده، عسکری ندوشن، عباس، عینی زیناب، حسن، روحانی، علی، و عباسی شوزای، محمد جمال (۱۴۰۰): چالش‌های اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی در شهر اصفهان، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۶(۳۲)، ۱۱۲-۷۹. Doi:10.22034/JPAI.2022.559285.1242
- ◀ صادقی، رسول (۱۳۹۲). روند تحولات جمعیت ایران؛ گذشته، حال و آینده، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- ◀ عباسی، شوزای، محمد جلال (۱۳۹۰). طرح تحولات باروری در ایران، مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- ◀ غمامی، محمد مهدی، مهاجری، مریم، جاوید، محمد جواد و حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۸): آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی جمعیت جمهوری اسلامی ایران و ارائه شاخص‌های مطلوب، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۶)، ۵۸-۳۱. Doi:10.22095/JWSS.2020.202681.2140
- ◀ فولادی، محمد (۱۳۹۲). «بازکاوی و نقد نظریه‌ها و سیاست‌های جمعیتی؛ با تأکید بر سیاست جمعیتی اخیر ایران». معرفت فرهنگی و اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۷۴-۱۴۵.
- ◀ قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات سمت.

◀ کاوه فیروز، زینب، زارع، بیژن، شمس‌الدینی، حسین (۱۳۹۵). «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان در آستانه ازدواج شهر تهران)»، زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۲)، ۲۱۷-۲۳۴. Doi:10.22059/jwdp.2016.59201

◀ کریمی، یوسف (۱۳۸۸). نگرش و تغییر نگرش. تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

◀ کنعانی، محمد امین، و بخشی، سعادت (۱۳۹۳)؛ گسترش فردگرایی و مسئله کم‌فرزندآوری: مطالعه‌ای موردی در شهر رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹(۱۸)، ۳۰-۷. Doi: 20.1001.1.1735000.1393.9.18.1.9

◀ گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی (منوچهر صبوری)، چاپ اول، تهران: نشر نی.